شعر ابوطالب علیه‌السلام: گزارش و تحلیل ادبی و محتوایی ـ باقر قربانی زرّین
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب علیه‌السلام»، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۵۰ـ ۱۶۴

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

شعر ابوطالب علیه‌السلام: گزارش و تحلیل ادبی و محتوایی

باقر قربانی زرّین *

چکیده: نگارنده در این گفتار، اشعار ابوطالب را از چند دیدگاه بررسی و تحلیل می‌کند. روایت شاعران از آن اشعار، دیدگاه معصومان علیهم‌السلام، استشهاد به این اشعار در منابع تفسیری و نحوی و جغرافیایی و لغوی، تضمین این اشعار، مباحث تاریخی در آنها به ویژه دفاع ابوطالب از پیامبر، اغراض شعری در سروده‌های ابوطالب به ویژه مدح پیامبر و دفاع از ایشان.

کلیدواژه‌ها: ابوطالب بن عبدالمطلب – اشعار؛ اشعار ابوطالب – روایت؛ اشعار ابوطالب – استشهاد؛ اشعار ابوطالب – درون مایه؛ اشعار ابوطالب – اغراض.

*. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی qorbanizb@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

مقدمه

دربارهٔ زندگانی و ایمان حضرت ابوطالب علیه‌السلام آثار فراوانی به رشتهٔ تحریر در آمده است. اینجانب در کتاب *الدرة الغراء فی شعر شیخ البطحاء* بخش‌هایی از آنها را بیان کرده‌ام.[۱]

در این نوشتار سعی بر آن است که جایگاه ادبی و مقام شاعری آن جناب تبیین گردد. یکی از کهن‌ترین منابع موجود که دربارهٔ جایگاه ادبی جناب ابوطالب سخن رانده، کتاب *طبقات فحول الشعراء* از ابن سلّام جُمحی (متوفی۲۳۱ ق.) است[۲]. ابن سلّام (ج ۱، ص۲۳۱) آنگاه که از شاعران مکّه نام می‌برد جزء شاعران توانمند آنجا از جناب ابوطالب نیز یاد می‌کند. و در جای دیگر از کتاب خود (ج۱، ص ۲۳۵-۲۳۴) از آن جناب با عنوان "شاعر جیّد الکلام" یاد و تصریح می‌کند که برترین سروده‌اش همان است که در مدح رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله سروده و در آن به داستان استسقاء اشاره کرده است[۳]. ابن سلام در ادامه، از نوشتهٔ یوسف بن سعد، که صد سال پیش نگاشته شده بود، خبر می‌دهد که ذکری از این قصیدهٔ جناب ابوطالب در آن به میان آمده بوده است. مطابق تحقیق استاد دکتر ناصرالدین اسد (ص۱۵۹) "یوسف بن سعد جُمحی از بزرگان تابعان بوده و نوشتهٔ او باید در نیمهٔ دوم قرن نخست هجری نگاشته شده باشد".

---

۱. نک: *الدرة الغراء فی شعر شیخ البطحاء*، ص ۳۹-۲۱؛ *حیاة أبی‌طالب*؛ ص ۴۸-۳۹؛ *إسلام أبی‌طالب*؛ ص ۵۸-۵۳؛ الکتب المؤلّفة فی أبی‌طالب.

۲. این کتاب در نقد ادبی و تاریخ ادبیات زبان عربی اثری ممتاز به شمار می‌رود و جایگاهی بس بلند دارد. برای تفصیل در این زمینه نک: احسان عبّاس، ص ۸۲-۷۸؛ شوقی ضیف، ص ۴۵-۴۲.

۳. در روزگار عبدالمطلب قحطی شدیدی بر مکّه حاکم شد و خشکسالی شدیدی رخ داد. عبدالمطلب به فرزندش ابوطالب دستور داد که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را که طفلی شیرخوار بوداماده کند، سپس عبدالمطلب کعبه را پیش روی خود قرار داد و پیامبر را بر روی دستان خود گرفت و خداوند را به حقّ این فرزند قسم داد تا اینکه باران فراوانی بارید. جناب ابوطالب نیز در کودکی پیامبر این ماجرا را تکرار کرد و سپس آن بیت معروف خود را سرود:

و أبیض یُسْتَسقَی الغمامُ بوجهه ثِمال الیَتامی عصمةٌ للأرامل (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۲۵)

یعنی سپیدرویی که به آبروی او از ابرها باران طلب شود، او پناه و نگاهدار یتیمان و بیوه زنان است. (زمخشری، *الفائق*، ج ۳، ص ۱۵۹؛ شهرستانی، ج ۲، ص ۲۴۹؛ قسطلانی، ج ۲، ص ۲۳۸-۲۳۷)

با توجه به اینکه روایت‌های ادبی در دورهٔ جاهلیت و همچنین تا سدهٔ دوم هجری غالباً به شکل شفاهی بوده و به ندرت کتابت می‌شده[1]، پس کتابت این قصیدهٔ جناب ابوطالب در آن دوران حاکی از جایگاه بلند ادبی اوست. نکته‌ای که متأسفانه در بسیاری از کتاب‌های "تاریخ الادب العربی" سهواً یا به عمد مغفول مانده، تا بدانجا که حتی از ذکر نام جناب ابوطالب به عنوان شاعر خودداری می‌کنند.[2] در دنبالهٔ مقاله نکاتی را که دربارهٔ سروده‌ها و مقام شاعری جناب ابوطالب گفته شده است، در چند بند می‌آورم:

الف. روایت اشعار جناب ابوطالبعلیه‌السلام:

۱. نخستین راوی دیوان ابوطالب، ابوهِفّان مِهزَمی عبدالله بن احمد بن حرب است. ابوهفّان خود از شاعران به شمار می‌رفت و راویه و مصنّف بود. (ابن ندیم، ص ۱۶۱) او بهره‌ای وافر از ادبیات داشت و از شاگردان اصمعی بود. (ابن انباری، ص ۲۰۴) ابن معتز در *طبقات الشعراء* (ص۴۱۰) ابوهفّان را از «مشهورین» دانسته و تصریح کرده که وی از راویان ابونواس، شاعر معروف، بوده است. سیوطی (ج۲، ص ۳۱) ابوهفّان را نحوی، لغوی، ادیب و راوی بصریان معرفی کرده است. از جمله آثار ابوهفّان کتاب *شعر أبی‌طالب بن عبدالمطلب و اخباره* است. (نجاشی، ج ۲، ص ۱۶)

ابوهفّان در ۲۵۷ هجری درگذشت. (ابن حجر، *لسان المیزان*، ج ۳، ص۲۵۰) ابوهفّان برخی از قطعات دیوان ابوطالب را از راوی معروف ابومحلّم سعدی شیبانی (متوفی ۲۴۸ ق.) و ابوالعبّاس مبرّد (متوفی ۲۸۵ ق.) نقل کرده است. (نک: دیوان *ابی‌طالب بن عبدالمطلب*، صنعة أبی هفّان المهزمی، ص ۱۰۳، ۱۳۱، ۱۳۷)

۲. دومین راوی جناب ابوطالب علیه‌السلام، علی بن حمزهٔ بصری، نحوی و لغوی مشهور است. به گفتهٔ یاقوت حموی او از ائمهٔ ادب به شمار می‌رفت و راوی اشعار متنبّی بود. ابوالفتح عثمان بن جنّی یکی از شاگردان علی بن حمزه بصری بوده است. علی بن

۱. برای تفصیل این مطلب و ذکر نمونه‌های آن نک: قربانی زرّین، مقاله‌ی "راوی"، بخش ادبیات عربی، *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، ج ۱۹.
۲. البته استثناءهایی نیز به چشم می‌خورد از جمله نک: رافعی، ج ۱، ص ۲۳۹ که به مقام شاعری حضرت ابوطالب علیه‌السلام اشاره کرده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

حمزه در رمضان سال ۳۷۵ هجری درگذشت. (معجم *الادباء*، ج ۱۳، ص ۲۰۹-۲۱۰) اثر ارزشمند علی بن حمزه بصری کتاب *التنبیهات علی أغلاط الرواة* است که بخش‌هایی از آن را عبدالعزیز المیمنی تصحیح کرده و در سال ۱۹۶۷ در مصر به چاپ رسیده و بخش‌های بعدی این اثر با عنوان *بقیة التنبیهات علی أغلاط الرواة* با تصحیح دکتر ابراهیم خلیل العطیة در ۱۹۹۱ در بغداد چاپ شده است.

در روایت اشعار ابوطالب از علی بن حمزهٔ بصری نام بزرگان ادب در سلسله روایت به چشم می‌خورد از جمله: ابوعبیده مَعمَر بن مثنّی (*دیوان أبی‌طالب*، صنعة علی بن حمزة البصری، ص ۱۷۱، ۱۹۱)؛ رؤبهٔ بن عجاج (همان، ص ۱۷۱)؛ زبیر بن بکّار و عمویش مُصعب (همان، ص ۲۲۲ و ۲۶۳)؛ عبدالزیز بن یحیی جلّودی. (همان، ص ۲۲۹، ۲۳۱)

ب. اشعار ابوطالب در نگاه معصومان علیهم‌السلام:

۱. امیرالمؤمنین علیه‌السلام خوش می‌داشت که شعر ابوطالب روایت و تدوین شود و می‌فرمود: آن را بیاموزید و به فرزندانتان یاد دهید، چرا که ابوطالب بر دین خداوند بود، و در آن دانشِ فراوان است. (فخّار بن معد، ص ۱۳۰)

۲. امام صادق علیه‌السلام این سرودهٔ ابوطالب:

لقد عَلِموا أنّ ابننا لا مکذّبٌ لدینا و لا یعنی بقول الأباطلِ (*الدرة الغراء*، ص ۱۳۳)

را شاهد و دلیل بر ایمان ابوطالب دانسته است. (کلینی، ج۱، ص ۴۹۹؛ صدوق، ص ۴۹۲)

۳. کلینی (همانجا) آورده که از امام صادق علیه‌السلام پرسیده شد: گویند که ابوطالب کافر بوده است، فرمود: چگونه کافر باشد در حالی که گوید:

ألم تَعْملوا أنّا وجدنا محمداً نبیاً کموسی خُطَّ فی أوّل الکُتْبِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۶۷)

ج. استشهاد به سروده‌های جناب ابوطالب:

۱. در تفسیر *قرآن* کریم:

۱-۱ شیخ طوسی (ج۳، ص ۱۰۸) درتفسیر آیهٔ شریفهٔ "ألّا تعولوا" (النساء: ۳) به این سرودهٔ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

ابوطالب:

بمیزان قسطٍ لا یَخیسُ شعیرةً له شاهد من نفسه غیرُ عائلِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۲۹)

استشهاد جسته است.

۲-۱. طبرسی (ج ۲، ص۴۹۴) در تفسیر آیهٔ شریفهٔ "و إذا خَلوا عَضّوا علیکم الأنامِلَ من الغیظ" (آل عمران: ۱۱۹) این بیت ابوطالب را شاهد آورده است:

و قد حالفوا قوماً علینا أظِنَّةً یعضّون غَیْظاً خَلْفَنا بالأنامِلِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۹۸)

۲. در مباحث نحوی:

۱– ۲. ضروبٌ بنصل السیف سوقَ سمانها إذا عَدموا زاداً فإنّک عاقرُ (*الدرة الغرّاء*، ص ۹۸)

در بسیاری از کتاب‌های نحوی این بیت شاهد مثال است از جمله: نک: سیبویه، ج۱، ص ۱۱۱؛ مبرّد، ج۲، ص ۱۱۴؛ رضی‌الدین استرآبادی، ج۲، ص۲۰۲؛ ابن هشام انصاری، ص ۲۷۵.

۲-۲. لَکُنّا اتّبعناه علی کلّ حالةٍ من الدهر جداً غیرَ قول التهازلِ (*الدرة الغراء*، ص ۱۳۳)

رضی الدین استر آبادی (ج۱، ص ۱۲۴) این بیت را شاهد مثال آورده است.

۳-۲. محمدُ تَفْدِ نفسکَ کلُّ نفسٍ إذا ما خِفْتَ من أمرٍ تبالا (*الدرة الغراء*، ص ۱۳۹–۱۴۰)

رضی‌الدین استرآبادی (ج ۲، ص۲۵۲) و بغدادی (ج۹، ص۱۱، ۱۴) به این بیت استشهاد جسته‌اند.

۴-۲. وَ عَرضْتَ دیناً قد علمتُ بأنّه من خیرِ أدیان البریّة دیناً (*الدرة الغراء*، ص ۱۵۸)

ابن هشام انصاری (ص ۲۴۲) این بیت را شاهد مثال آورده است.

۵-۲. فاصدعْ بأمرک ما علیک غَضاضَةٌ و ابْشر بذاک و قرّ منک عیونا (*الدرة الغراء*، ص ۱۵۸)

۶-۲. لیت شعری مسافرَ بن ابی عم -- روٍ و لیتٌ یقولها المحزونُ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۶۱)

سیبویه (ج ۳، ص۲۶۱) و رضی‌الدین استرآبادی (ج ۲، ص ۳۶۳) به این بیت استشهاد جسته‌اند.

۳. در مباحث جغرافیایی:

۱-۳. یاقوت حموی در *معجم البلدان* (ج ۱، ص ۹۳۸) به هنگام بر شمردن کوه‌های مکّه به این سه بیت از سروده‌های جناب ابوطالب استشهاد جسته است:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

أعوذ بربّ الناس من کلّ طاعنٍ علینا بِشَرٍّ أو مُلِحٍّ بباطلِ
و مِن کاشحٍ یسعی لنا بمغیبةٍ و من مُلحقٍ فی الدین ما لم نُحاولِ
و ثَوْرٍ و مَن أرسی ثَبیراً مکانَه و عیرٍ و راقٍ فی هراء و نازلِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۲۲)

۲-۳. یاقوت حموی (*معجم البلدان*، ج ۳، ص۴۹۵) در بحث از منطقهٔ "طائف" این سرودهٔ ابوطالب را آورده: "نحن بنینا طائفاً حَصینا."

یاقوت در ج ۳، ص ۴۹۹ نیز به دو بیت جناب ابوطالب استشهاد کرده است.

۴. در مباحث لغوی

بسیاری از معاجم لغوی دربارهٔ معانی لغات به سروده‌های ابوطالب استشهاد جسته‌اند، و از آنجا که یکی از منابع اصیل راویان لغت در گردآوری لغات، سروده‌های اصیل عرب بوده است، جایگاه این سروده‌ها بیشتر نمایان می‌شود.

در ذیل برای نمونه به چند معجم لغوی اشاره می‌شود:

خلیل بن احمد، ج ۵، ص ۲۵۸؛ ازهری، ج ۱۵، ص ۱۵۱؛ ابن دُرید، ص ۸۸، ۹۷، ۱۵۰، ۱۶۶؛ جوهری، ج ۱، ص ۲۱۶؛ زمخشری، *أساس البلاغة*، ج ۱، ص ۴۷۲؛ *الفائق*، ج ۴، ص ۴۸؛ و بیش از همه در *لسان العرب* ابن منظور، ج ۱، ص ۱۲۶؛ ج ۲، ص ۷۰، ۸۲؛ ج ۳، ص ۴۱ و دهها مورد دیگر. (برای تفصیل نک: فهارس *لسان العرب*، ج ۱۶، ص ۱۷۲-۱۷۳)

د. تضمین سروده‌های جناب ابوطالب:

۱. ابوطالب سروده‌ای دارد در مدح پیامبر اکرمﷺ:

لقد أکرم اللهُ النبیَّ محمداً فأکرمُ خلقِ الله فی الناس أحمدُ
و شَقّ له من اسمه لِیُجِلَّه فذوالعرش محمودٌ و هذا مُحمّدُ (*الدرة الغراء*، ص ۸۷)

این ابیات را ابن کثیر (ج۱، ص ۲۶۶) وابن حجر عسقلانی (*الاصابة*، ج ۴، ص ۱۱۵) و برخی دیگر نقل کرده‌اند (برای تفصیل نک: *الدرة الغرّاء*، همانجا). حسّان بن ثابت انصاری، بزرگترین شاعر مخضرم عرب و صدر اسلام بیت دوم این سروده را تضمین کرده و در ضمن اشعاری که برای پیامبر اکرمﷺ سروده، جا داده است. عبدالرحمن برقوقی، ادیب نامدار

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

مصری، که *دیوان حسّان بن ثابت* را شرح کرده، در پانوشت ص ۱۳۱ *دیوان* گفته: هذا البیت لیس من قول حسّان و أنّما هو لأبی طالب ضَمَّنه حسّانٌ فی شعرَه.

۲. ابوطالب در سروده‌ای گفته: یَکفیک منه الیوم ما ترجو غدا. (*الدرةالغرّاء*، ص ۹۱) ابوهفّان مهزمی در حاشیهٔ روایت خود از دیوان ابوطالب گفته: اعشی این سرودهٔ خود: "و لیس عطاءُ الیوم مانعَه غدا" را از این بیت ابوطالب برگرفته است. (نک: *دیوان أبی‌طالب*، صنعة أبی هفّان المهزمی، ص ۱۰۱)

ه. مباحث تاریخی در دیوان ابوطالب علیه‌السلام:

سروده‌های ابوطالب علیه‌السلام آکنده از مباحث تاریخی است. در ذیل به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱. مباحث مربوط به زندگانی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله:

۱-۱. ابوطالب به هنگام سفر به شام، پیامبر را با خود همراه کرد. در این سفر بود که با بَحیرای راهب دیدار کرد (برای تفصیل این واقعه نک: *الدرة الغرّاء*، ص ۸۴-۸۵) و این دو سروده را در این زمینه سرود:

إن ابن آمنة النبّی محمداً عندی یفوق منازل الاولاد... (*الدرة الغراء*، همانجا)

ألم ترنی من بعد هَمٍّ هَممتُه بفرقة خیر الوالدین کِرامِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۵۲-۱۵۳)

۲-۱. در واقعهٔ مهاجرت مسلمانان به حبشه، ابوطالب ابیاتی را برای نجاشی، حاکم حبشه فرستاد (برای تفصیل نک: معوض عوض ابراهیم، ص ۳۸-۴۰)

و او را به عدل و احسان نسبت به تازه مسلمانان فراخواند:

ألا لیت شعری کیف فی الناس جعفر و عمروٌ و أعداء النبیّ الأقاربُ... (*الدرة الغرّاء*، ص ۶۹)

لِیعلَمْ خیارُ الناس أنّ محمداً وزیرٌ لموسی و المسیح بن مریمِ... (*الدرة الغرّاء*، ص،۱۵۴)

۳-۱. در ماجرای شعب ابوطالب و قطع ارتباط قریش با مسلمانان، ابوطالب علیه‌السلام این سرودهٔ بلند خود را سرود:

ألا أبْلِغا عنّی علی ذات بینها لُؤیاً و خُصّا مِن لُؤیٍّ بنی کعبِ... (*الدرة الغرّاء*، ص ۶۷-۶۹)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

۴-۱. ابوطالب و صحیفهٔ قریش. قریشیان برای از بین بردن دین نوپای اسلام و شکست پیامبرﷺ گرد هم آمدند و صحیفه‌ای تنظیم کردند و آن را در کعبه گذاردند. به امر خداوند، موریانه‌ای صحیفه را خورد و پیامبر عمویش ابوطالب را از این واقعه با خبر کرد. ابوطالب نیز مطلب را به قریشیان منتقل کرد. آنان باور نکردند و پس از پی بردن به ماجرا آن را "سحر" دانستند.

ابوطالب در این زمینه چندین شعر سرود، از جمله:

ألا مَن لِهمٍّ آخرَ الیل مُنْصِبِ و شَعب العصا من قومک المُتشعّبِ... (*الدرة الغرّاء*، ص ۶۳-۶۴)

تطاول لیلی بهمٍّ نَصَب و دَمعٍ کسحّ السَّقاء السَّرِب... (*الدرة الغراء*، ص ۶۵-۶۷)

۲. ماجرای ذبح عبدالله، پدر پیامبر:

کلّا و ربّ البیت ذی الأنصاب و ربّ ما أنْضی من الرِّکاب... (*الدرة الغراء*، ص ۷۳-۷۴)

۳. ازدواج با فاطمه بنت اسدعلیهاالسلام:

قد صدقت رؤیاک بالتَّعبیر و لستُ بالمرتاب فی الأمور (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۰۳-۱۰۴)

۴. در قرار دادن رکن کعبه:

إنّ لنا أوّله و آخره فی الحکم و العدل الذی لا ننکره (*الدرة الغراء*، ص ۱۰۶)

۵. در واقعهٔ عثمان بن مظعون جُمحی و قریش:

أمِنْ تذکّر دهرٍ غیرِ مأمونِ أصْبحتَ مُکْتَئِباً تبکی کمحزونِ... (*الدرة الغراء*، ص ۱۶۰)

۶. ماجرای ولادت حضرت علیعلیه‌السلام درکعبه:

یا ربّ هذا الغَسقِ الدُجّی و القمرِ المنبلج المضیّ... (*الدرة الغراء*، ص ۱۶۴)

و. فنون و اغراض شعری در دیوان جناب ابوطالبعلیه‌السلام:

یکی از مطالب مهم در بررسی سروده‌های یک شاعر، واکاوی فنون و اغراض شعری اوست و موضوعاتی که دربارهٔ آن‌ها سخن رانده است که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود:

یک. نکتهٔ بسیار مهمی که دربارهٔ دیوان ابوطالبعلیه‌السلام باید گفت، آن است که بیش از دو سوم سروده‌های جناب ابوطالب دربارهٔ دفاع از پیامبر و دین اسلام است. نکتهٔ مهم آن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

است که در این سروده‌ها از حضرت محمدﷺ به عنوان "پیامبر" دفاع شده نه به عنوان "برادرزاده". و این نکته بسی حائز اهمیت است. به این ابیات دقّت شود:

۱. و ما ذنبُ من یدعو إلی الله وحدَه و دینِ قویمٍ أهلُه غیرُ خُیّبِ (*الدرة الغراء*، ص ۶۳)

۲. نفارقه حتی نُصرَّع حولَه و ما بالُ تکذیب النبیّ المُقرّبِ (*الدرة الغراء*، ص ۶۴)

۳. ألم تعلموا أنّا وجدنا محمداً نبیّاً کموسی خُطَّ فی أوّل الکُتبِ (*الدرة الغراء*، ص ۶۷)

۴. و الله لا أخذلُ النبیَّ ولا یخذله من بَنِیَّ ذو حَسَبِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۷۱)

برای موارد دیگر نک: *الدرة الغرّاء*، ص ۷۵، ۸۲، ۸۸، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۶۰ و...

این سروده‌ها عُشری از اعشار بود و مشتی از خروار؛ و مایهٔ بسی بی‌انصافی و ناجوانمردی است که سرایندهٔ این ابیات را غیر مؤمن و العیاذ باللّه کافر بدانیم. اگر بخواهیم تمام سروده‌های موجود جناب ابوطالب را که در دسترس ما است، در زمینهٔ دفاع از پیامبر ذکر کنیم، باید حدود ۷۰۰ بیت را یادآور شویم! این در حالی است که ابن شهر آشوب (ج ۲، ص ۶۵) نقل کرده: "آن دسته از اشعار ابوطالب که بر ایمان وی دلالت دارد افزون بر ۳۰۰۰ بیت است." متأسفانه بسیاری از این ابیات به دست ما نرسیده است. در پایان این بخش گفتنی است که با تعمق در سیرهٔ حضرت ابوطالب، آدمی بر این نکته واقف می‌شود که هیچ مقطعی از زندگانی ابوطالب را نتوان یافت که از مهمّ حمایت و یاری رسول خداﷺ عاری باشد.

دو. از دیگر اغراض شعری در سروده‌های ابوطالب، مدح، رثاء، فخر و حماسه است که از فنون و اغراض رایج در شعر عربی است. در این قسمت به جهت اختصار به ذکر چند مورد برای هر عنوان بسنده می‌شود.[1]

۱. مدح. مدح از رایج‌ترین فنون اشعار عربی است. شاعر زبان به مدح می‌گشاید و

۱. برای تفصیل در این قسمت به کتاب ارزشمند خانم دکتر هناء عباس علیوی کشکول، با عنوان *شعر أبی‌طالب دراسة ادبیة*، ص ۱۷۲-۱۱۷ مراجعه شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

فضائل انسانی ممدوح را بر می‌شمرد. اگر ممدوح انسانی والا باشد، مدح او مدح سجایای اخلاقی و کرامتهای انسانی خواهد بود. در دیوان ابوطالب می‌توان مدح را به دو بخش مدح پیامبر اکرمﷺ و مدح دیگران تقسیم نمود.

باید دقت داشت که مدایح پیامبر اکرم در سروده‌های جناب ابوطالب، از نخستین مدایح در این زمینه است که با نیّتی صادق و قلبی پاک سروده شده و این نکته‌ای است که بر بسیاری از محققان پوشیده مانده است. اینک نمونه‌هایی از مدح پیامبر در سروده‌های ابوطالب آورده می‌شود:

۱-۱. قد بذلناک و البلاء شدید لِفداء الحبیب و ابن الحبیبِ
لِفداء الأعزّ ذی الحَسَب الثا قبِ و الباعِ و الکریمِ النجیبِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۷۰)

۱-۲. و ما ان جنینا من قریش عَظیمةَ سوی أن مَنعنا خیرَ من وَطیء التُّربا
أخا ثقةٍ للنائبات مؤزرا کریما ثناه لا لئیماً و لا ذربا (*الدرة الغرّاء*، ص ۷۵)

۱-۳. و لقد عهدتک صادقا فی القول لا تتزیّدُ
ما زلت تنطقُ بالصوا بِ و أنت طفلٌ امردُ (*الدرة الغرّاء*، ص ۸۹)

۱-۴. أیا ابنَ الأنف أنفِ بنی قُصیٍّ کأنّ جبینک القمر المنیرُ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۰۲)

۱-۵. و لکنّه من هاشمٍ فی صمیمها إلی أبحرٍ فوق البحور طوافِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۱۱)

۱-۶. و إن حُصِّلتْ أشرافُ کلّ قبیلةٍ ففی هاشم أشرافُها و قدیمُها
و إن فخرتْ یوماً فانّ محمداً هوالمصطفی مِن سرّها و کریمُها (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۵۶)

در این زمینه نیز ابیات بسیاری در دیوان جناب ابوطالب یافت می‌شود که به جهت اختصار، از آنها چشم می‌پوشیم.

مدح دیگران

A. مدح نجاشی حاکم حبشه

A_1. تعلّم أبیت اللعن أنّک ماجدُ کریمٌ فلا یشقی لدیک المجانبُ
و نعلم أنّ اللّه زادک بسطةً و أسبابَ خیرٍ کلَّها بک لازبُ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

فانّک فیضٌ ذو سجالٍ غزیرةٍ ینالُ الأعادی نفعَها و الأقاربُ (*الدرة الغرّاء*، ص ۶۹)

A_2. و إنّک ما تأتیک منّا عصابةٌ بفضلک إلّا أرجِعُوا بالتکرمِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۵۴)

B. مدح گروهی که در نقض صحیفهٔ ظالمانهٔ قریش کوشیدند:

B_1. جزی اللهُ رَهْطاً بالحَجون کأنّهم علی ملأٍ یهدی لحزمٍ و یُرشِدُ

قعوداً لدی خَطْم الحجون کأنّهم مَقاولةٌ بل هم أعزّ و امجدُ

أعان علیها کلُّ صِقْرٍ کأنّه إذا ما مشی فی رَفْرفِ الدِّرعِ أحردُ (*الدرة الغرّاء*، ص ۸۲)

B_2. مدح زهیر بن امیه مخزومی که در نقض صحیفهٔ قریش کوشید:

فنعمَ ابنُ أخت القوم غیر مکذّب زهیرٌ حساماً مفرداً من حمائلِ

أشمُّ من الشُّمّ البهالیل یَنْتَمی إلی حَسَبٍ فی حومة المجد فاضلِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۳۲)

۲. رثاء. مرثیه سرایی از رایج‌ترین فنون شعری هر ادبیاتی است و در ادبیات عربی نیز پیشینه‌ای کهن دارد. در مرثیه‌سرایی، اگر مطابق واقع صورت پذیرد و دروغ و مبالغه و اغراق در آن راه نیابد، نیز می‌توان فضایل و کرامت‌های انسانی را برشمرد، همان گونه که در مدح بدان اشارت رفت. معرفی و وصف خوبی‌های شخصی که از دنیا رفته، به نوعی نشر و گسترش نیکی‌هاست. در ذیل به چند نمونه از سروده‌های جناب ابوطالب علیه‌السلام در این زمینه اشاره می‌شود:

۲-۱. در رثای پدرش عبدالمطّلب:

أبکی العیون و أذری دمعَها دراً مصابُ شیبة بیت الدین و الکرمِ

کان الشجاعَ الجوادَ الفردَ سؤدَدُهُ له فضائلُ تعلو سادة الأممِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۵۵)

۲-۲. مرثیهٔ عبدالله برادرش و پدر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله:

عینی ائذنی ببکاءٍ آخرَ الأبدِ و لا تملّی علی قرمٍ لنا سندِ...

لو عاش کان لفهرٍ کلّها عَلَما إذ کان منها مکانَ الروح فی الجسدِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۹۰)

۲-۳. در مرثیهٔ هشام بن المغیرة، از سادات عرب در دورهٔ جاهلیت:

فقدنا عمیدَ الحیّ و الرکنُ خاشع لفقد أبی عثمانَ و البیتُ و الحِجرُ

و کان هشام بن المغیرة عصمةً إذا عَرَک الناسَ المخاوفُ و الفقرُ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

بأبیاته کانتْ أراملُ قومه تلوذُ و أیتامُ العشیرة و السَّفْرُ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۰۷)

۴-۲. در رثای ابوامیّهٔ بن المغیرهٔ ملقّب به زاد الرّکب:

أرقتُ و دمعُ العین فی العین غائرُ و جادتْ بما فیها الشؤونُ الأعاوِرُ...

ألا إنّ خیر الناسِ غیر مدافعٍ بوادی أسی غَیَّبْتُهُ المقابرُ...

علی خیر حافٍ من معدٍّ و ناعلٍ إذا الخیرُ یُرْجی أو إذا الشرُّ حاضرُ (*الدرة الغرّاء*، ص ۹۷-۹۶)

۵-۲. در رثای مسافر بن ابی عمرو که به گفتهٔ ابوالفرج اصفهانی (ج ۹، ص ۵۱) از شاعران و بخشندگان [= اجواد] در دورهٔ جاهلیت بود.

لیتَ شعری مسافرَ بنَ أبی عم -- رٍو و لیتٌ یقولها المحزونُ...

کنتَ مولیً و صاحباً صادقَ الخب -- رةِ حقّاً و خُلَّةً لاتخونُ (*الدرة الغراء*، ص ۱۶۱-۱۶۲)

۳. فخر. از کهن‌ترین اغراض شعری در ادبیات عربی فخر است. مباهات کردن به نَسب، سیادت، مجد، کرم، اخلاق نکو و شجاعت در فخر وصف و تبیین می‌شود.

۱-۳. إنّا بنو أمّ الزبیر و فحْلِها حملتْ بنا للطیب و الطُّهرِ

فحُرمتَ منّا صاحباً و مؤازراً و أخاً علی السّرّاءِ و الضُّرِّ (*الدرة الغرّاء*، ص ۹۹)

۲-۳. الحمدُ لله الذی قد شرّفا قومی و أعلاهم معاً و غِطْرفا

قد سبقوا بالمجد مَن تَعرّفا مجداً تلیداً واصلاً مستطرفا...

و أصبحوا من کلّ خلفٍ خلفا هم أنجمٌ و أبدرٌ لن تکسفا(*الدرة الغراء*، ص ۱۱۲-۱۱۳)

۳-۳. و نحن الصمیمُ مِن ذُؤابة هاشمٍ و آلِ قُصیٍّ فی الخطوب الأوائلِ

و کان لنا حوضُ السقایة فیهمُ و نحن الذُّری منهم و فوق الکواهلِ

فما أدرکوا ذحْلاً و لا سفکوا دماً و ما حالفوا اِلّا شرارَ القبائلِ (*الدرة الغرّاء*، ص ۱۲۹)

۴-۳. فمن یَنْشُ من حضّار مکّةَ عِزُّهُ فَعزّتُنا فی بطن مکّة اَتْلَدُ

نَشأنا بها و الناسُ فیها قلائل فلم ینفکک نزدادُ خیراً و نُحْمَدُ

و نُطْعِمُ حتی یترک الناسُ فَضْلَهم إذا جُعِلَتْ أیدی المُفیضین تَرعَدُ (*الدرة الغرّاء*، ص ۸۲)

۴. حماسه. برخی از محققان ادبیات، حماسه را زیر مجموعهٔ فخر می‌دانند، ولی مضامین حماسی می‌توانند به عنوان گونه‌ای مستقل در ادبیات مطرح شوند. نکتهٔ جالب در

سروده‌های حماسی حضرت ابوطالب، آن است که شور انگیزترین این حماسه‌ها در دفاع از پیامبر اسلام ﷺ سروده شده است و این نکتهٔ بسیار با ارزشی است. دفاع تمام قد و جانانهٔ ابوطالب از پیامبر در این سروده‌ها موج می‌زند و قابلیّت آن را دارد که در نوشتاری مستقل بررسی شود. در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱-۴ فلا تَحْسَبونا خاذلینَ محمداً لذی غربةٍ منّا و لا متقرّبِ
سَتَمْنَعُهُ منّا یدٌ هاشمیّةٌ مُرکَّبُها فی الناس خیرُ مُرکّبِ (*الدرة الغراء*، ص ۶۴)

۲-۴. تنالون أحمدَ أو تصْطَلوا ظُباتِ الرماحِ و حدَّ القُضُب
و تعترفوا بین أبیاتکم صدورَ العوالی و خیلاً عصب (*الدرة الغراء*، ص ۶۶)

۳-۴. فَلَسْنا و بیتِ الله نُسلم أحمدا لِعزّاء من عضِّ الزمان و لا کرْبِ
و لمّا تَبِنْ منّا و منکم سوالفٌ و أیدٍ أتِرَّتْ بالمُهنَّدة الشُّهْبِ
بمعترکٍ ضَنْکٍ تری کسرالقنا به والضباعُ العُرْجُ تَعْکِفُ کالشَّرْبِ (*الدرة الغراء*، ص ۶۸)

۴-۴. نحن و هذا النبیُّ أسرتُه نضرب عنه الاعداء کالشُّهُبِ
اِنْ نِلْتُموه بکلّ جَمْعکمُ فنحنُ فی الناس أُلْأمُ العربِ (*الدرة الغراء*، ص ۷۲)

حُسن ختام این بخش اشاره به قصیدهٔ بلند لامیهٔ جناب ابوطالب است که به گفتهٔ ابن کثیر (ج۳، ص۵۳): "هذه قصیدةٌ عظیمةٌ بلیغة جداً لا یستطیعُ أن یقولَها الّا مَن نُسِبَت إلیه، هی أفحلُ من المعلّقات السبع و أبلغُ فی تأدیة المعنی فیها جمیعاً." بسیاری از ادیبان این قصیدهٔ لامیه را شرح کرده‌اند. (برای تفصیل نام آنان نک: *الدرّة الغرّاء فی شعر شیخ البطحاء*، ص ۱۱۹) از جملهٔ آنان می‌توان به علّامه سردار کابلی اشاره کرد که به خواست خداوند، نسخهٔ خطّی شرح او با تصحیح و تعلیقات این بنده بزودی انتشار خواهد یافت. بسیاری از ابیات این قصیده در دفاع از پیامبر اکرم ﷺ و پاسخ کوبنده به دشمنان آن حضرت است. (برای متن قصیده نک: *الدرة الغرّاء*، ص ۱۲۰-۱۳۵)

در پایان این نوشتار، توجه به این نکته لازم است که در سروده‌های جناب ابوطالب هیچ تغزلی به چشم نمی‌خورد و این دیوان از مصادیق "شعرحِکمی" بشمار است. از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

دیگر سو، شعر جناب ابوطالب از مصادیق اکمل "شعر و ادب متعهد" و به تعبیر رایج در ادبیات عربی "الأدب الملتزم" است و شایسته است که استادان محترم از این زاویه نیز این سروده‌ها را بررسی کرده معانی آن را واکاوی کنند که به فرمودهٔ حضرت علی علیه‌السلام: "فیه علمٌ کثیر". (فخّار بن معد، ص ۱۳۰)

منابع

۱. ابن انباری، ابوالبرکات عبدالرحمن بن محمد، *نزهة الالباء فی طبقات الادباء*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره [بی تا.]

۲. ابن حجر عسقلانی، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، مصر ۱۳۲۸ ق.

۳._____، *لسان المیزان*، بیروت ۱۹۷۱/۱۳۹۰.

۴. ابن درید ازدی، محمد بن الحسن، *الاشتقاق*، تحققیق عبد السلام محمدهارون، بغداد ۱۹۷۹/۱۳۹۹.

۵. ابن سلّام جُمَحی، محمد، *طبقات فحول الشعراء*، تحقیق محمود محمد شاکر، قاهره ۱۹۵۲.

۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *متشابه القرآن و مختلفه*، انتشارات بیدار، قم.

۷. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، مصر ۱۳۵۱ ق/ ۱۹۳۲ م.

۸. ابن معتز، عبد الله، *طبقات الشعراء*، تحقیق عبد الستار احمد فراج، دار المعارف مصر [بی تا.].

۹- ابن منظور، جمال الدین بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت ۲۰۰۰ م.

۱۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدّد، طهران.

۱۱. ابن هشام انصاری، جمال الدین عبدالله، *شرح قطر الندی و بلّ الصدی*، تحقیق محمد محی الدین عبد الحمید، مصر ۱۹۶۳.

۱۲. ابوالفرج اصفهانی، کتاب *الأغانی*، مصر [بی تا.].

۱۳. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، ج ۱۵، تحقیق ابراهیم الأبیاری، قاهره ۱۹۶۷.

۱۴. احسان عباس، *تاریخ النقد الادبی عند العرب*، دار الثقافة، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶.

۱۵. اسد، ناصر الدین، *مصادر الشعر الجاهلی و قیمتها التاریخیّة*، بیروت ۱۹۸۸.

۱۶. بغدادی، عبدالقادر، *خزانة الادب و لبّ لباب لسان العرب*، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، [بی تا.]

۱۷. جوهری، اسماعیل بن حمّاد، *الصحاح*، تحقیق احمد عبد الغفور عطّار، بیروت [بی تا.]

۱۸. حسّان بن ثابت انصاری، *دیوان*، بشرح عبدالرحمن البرقوقی، دار الکتاب العربی، بیروت ۱۴۱۰ ق. / ۱۹۹۰ م.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]

۱۹. خلیل بن احمد، *العین*، تحقیق د. مهدی المخزومیو د. ابراهیم السامرائی، قم ۱۴۰۵.
۲۰. *الدرّة الغراء فی شعر شیخ البطحاء*: دیوان أبی طالب، جمع و تحقیق و شرح: باقر قربانی زرّین، وزارة الثقافة و الأشاد الاسلامی و مؤسسة دائرة المعارف الاسلامیة، طهران ۱۳۷۴ ش/ ۱۹۹۵ م.
۲۱. *دیوان ابی طالب بن عبد المطلب*، صنعة ابی هفان المهزمی و صنعة علی بن حمزة البصری التمیمی، تحقیق الشیخ محمد حسن آل یاسین، دار الهلال، بیروت ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م.
۲۲. رافعی، مصطفی صادق، *تاریخ آداب العرب*، بیروت ۱۴۲۵ ق/ ۲۰۰۵ م.
۲۳. رضی الدین استر آبادی، *شرح الکافیة فی النحو*، المکتبة المرتضویة، طهران [بی تا.]
۲۴. زمخشری، محمود ابن عمر، *أساس البلاغة*، دار الکتب، قاهره ۱۹۷۲.
۲۵._____ ، *الفائق فی غریب الحدیث*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم و علی محمد البجاوی، قاهره [بی تا.]
۲۶. سیبویه، ابوبشر عمرو بن عثمان، *الکتاب*، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قاهره ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.
۲۷. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، *بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین و النحاة*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م.
۲۸. شوقی ضیف، *النقد*، دارالمعارف، مصر ۱۹۶۴.
۲۹. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبد الکریم، *الملل و النحل*، مصر [بی تا.]
۳۰. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، *الأمالی*، مؤسسة الأعلمی، بیروت ۱۴۰۰ ق.
۳۱. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، طهران [بی تا.]
۳۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت ۱۴۰۹.
۳۳. فخار بن معد، ابوعلی شمس الدین، *الحجة علی الذاهب إلی تکفیر ابی طالب* (ایمان ابی طالب)، تحقیق سید محمد بحر العلوم، قم ۱۴۱۰.
۳۴. قربانی زرّین، باقر، مقالهٔ "راوی" در *دانشنامهٔ جهان اسلام*، ج ۱۹، تهران ۱۳۹۳ ش.
۳۵. قسطلانی، احمد بن محمد، *ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری*، بیروت [بی تا].
۳۶. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران ۱۳۸۸ ق.
۳۷. مبرّد، ابوالعباس محمد بن یزید، *المقتضب*، تحقیق محمد عبد الخالق عضیمة، بیروت [بی تا.].
۳۸. معوض عوض ابراهیم، *الرسول و الرسالة فی شعر إبی طالب*، کویت [تاریخ مقدمه ۱۹۷۶].
۳۹. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، *رجال* النجاشی، تحقیق محمد جواد نائینی، بیروت ۱۴۰۸ ق. / ۱۹۸۸ م.
۴۰. هناء عباس علیوی کشکول، *شعر ابی طالب: دراسة أدبیة*، النجف الاشرف ۱۴۲۹ ق / ۲۰۰۸ م.
۴۱. یاقوت حموی، *معجم الأدباء*، دار الفکر، بیروت ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م.
۴۲. _____، *معجم البلدان*، تحقیق فردیناند ووستنفلد، لایپزیگ، چاپ افست تهران ۱۹۶۵.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.10.4]